

همه را برای مدتی میتوان فریب داد ؛
عده ای را نیز میتوان برای همیشه گول زد ؛
ولی؛ همه را برای همیشه ممکن نیست تحقیق کرد و فریفت
آبراهام لینکلن

ایرین سیر ایران

یا

ورثی تاریخ سیاسی ایران

تألیف

فریدون آدمیت

قسمت دوم

۵۰۰ ریال

همه را برای هدای می‌توان فریب داد ؛
عده ای را نیز می‌توان برای همیشه گول زد ؛
ولی همیشه ممکن نیست تحقیق کرد و فریب
آبراهام لینکلن

امیر کبیر وزیر ایران

با

ورقی تاریخ سیاسی ایران

فریدون آدمیت

قسم دوم

تهران ۱۳۲۳

شرکت سهامی چاپ

همینکه صحبت ما با خواسته گان گرامی گرم شده بود و سخاوت شهر پرستان
کشیده میشد علی مادی موجب شده که رشته سخن را از هم بکشیم ، جلا برای
اینکه سخاوت گان همدل بردیگتر باشیم دو سر آبرو بهم گره زده از حد امپهای
قهیری پورش مطالبیم و چون استعمال هموطنان ایران پرست را همه جا بچشم دیده
و اقبال رحال و دانشمندان را همه وقت ندیده راه خود نامه ام بهمان شیوه
بی رس و ریای خود کیه کرده حمایتی که بالاخره روری ناید گفته شود بی
گویم و راه بشر این حمایتی را برای بحسبی بار میگشایم

این اوراق با نهایت آزادی عقیده سعی همانطور که لرد کردن هموطنان
خود بوضه کرده که « قصای ای ایران ناید با دقت و صبر و شکیبائی توسط
سازمندان ما از روی کمال آزادی عقیده مطالعه شود بهم تلعیق یافته است
در ما نظری اولی می دارم در قصای مرز و قوم خود با کمال آزادی
عقیده ، بحث مائیم در این کتاب دعای هر چه روش و پوست گنده تر بوده شده
بخصوص همدرسه است که بحولای سیاسی ایران نادر هر گرس عامل اصلی تطورات
سیاسی ما می دپلماسی اروپا مورد دقت قرار گیرد چه بدون در نظر گرفتن
این عامل اساسی در تاریخ یکصد و پنجاه ساله اخیر کشور ما هر یک سلسله
و سیاح حاکم بی سرو و حمیتی در دست جوهند بود و اعراق نیست اگر گنه
بود که تاریخ در قسمت تاریخ ما رد کردن قسمت آن ما یعنی عهد دودمان
صربیه که در آن دوره است که در لب های سیاسی دول خارجی چهره و قانع را بطور
دگری رو ما ساخته است و بهمی دلایل و ادما اگر جمعات و بروش های آفای
محمود محمود راجع تاریخ دیپلماسی کهن و سه احیای ایران بود ما است تاریخ
سوایح این مدب نگلی پی دست و دم

بهر حال امید وارم در راهی که شش بهاره ایم است قدم بوده و در
سر خود بهای که راه گر و عولان اعوا کسند ان کسبه رباط را اعم از سیاسی ،
وطني مدعی اجتماع هم در شکست ما نگاه رسانای آن سرزمین ندانند
که در کور هم ردست و طایر بیج رهائی جوهند داست و روی راحت نخواهند
دندند که تاریخ رحیم ندرد و رکس اما میکنند یعنی کسند که هر چه
ر هماغ و اعمال و حیاتی خود رده عواء صریح بوشاید روری خواهد
رسند که سرانگست نام ویران آن مرز و قوم لای را از هم گشوده
اجت و عران ما اندوان به را حوسی و حسیه من نگاه گان مسلم ناید که میتوان
همه را برای مدنی فریب داد :

عده ای را نیز می توان برای همیشه قبول رد

ولی ، همه را برای همیشه نسکن نیست بجمع کرد و فریب

طهران ۲۵ آبان ۱۳۲۳

ر آ

فهرست مندرجات

فصل هشتم سیاست اقتصادی امیرگیر

۲۴۵	ترویج صنایع	بخش اول
۲۵۴	استخراج معادن	بخش دوم
۲۵۸	بسط فلاحت	بخش سوم
۲۶۶	توسعه بازرگانی	بخش چهارم

فصل نهم سیاست خارجی امیرگیر

	يك نظر کلی باوضع سیاسی ایران در نیمه	بخش اول
۲۸۱	قرن نوزدهم	
۲۹۷	روابط ایران و روسیه	بخش دوم
۲۹۸	مرادانات و مکاسات تحجیب آمیز	- ۱
۳ ۴	بناء بیمارستان و تجارتخانه در استرانا	- ۲
۳۱۸	کراهای بحر خزر یا دامستان انزلی و آشوراده	- ۳
	سفارت صدر به پترربورگ و تأسیس مصیحات	- ۴
۳۶۸	گراری در علیس	- ۵
۳۹۱	مرد موغان و ایل شاهسون	
۳۹۷	روابط ایران و انگلستان	بخش سوم
۳۹۷	سفارت کلل حستین شیل ایران	- ۱
۴۰۵	رنه هرونی در خلد هارس	- ۲
۴۴۴	دست جهت احماکی وسعت	- ۳
۴۶۳	در آذربایجان با داسان اسموس	- ۴
۴۹۲	در تبریز و تأسیس کسولگری	- ۵

فصل هشتم

سیاست اقتصادی ایران کبر

نمونه وضع اقتصادی ایران قبل از صادرات غیر در اقتصاد ایران
 در اوضاع مالی ایران گوشزد شد استنباط بگیرد و در جهت بازار نیست که
 چه حد بنیه اقتصادی ایران ضعیف و چه منابع ثروت در آن در این سالها
 را کند و بیصرف افتاده و بارار تجارت چندرگانه و نامرئی و
 امیر پایه سیاست اقتصادی کشور را در اصل حمایت از تولید
 بود. موقع اقتصادی کشور بر اینجاب میگردد که در اقتصاد داخلی و
 دولت پشتیبان اقتصاد کشور باشد زیرا دولت در امور اقتصادی هر
 آنکه کمرواست کرده در راه صادرات همه سنگ تولید در هر دو
 موظف بود حامی جدی صنایع داخلی و نه در راه صادرات
 را الا برده از خطر رقابت خارجیان -
 عمال این سیاست اقتصادی در هر دو بخش
 معادن و بسط فلاحات و توسعه تجارت و معادن
 آن حاصل گردید تحت هدایت و پیگیری

این

ترویج صنایع

در این ترویج صنایع در هر دو بخش
 به جهت کار خالصت -
 بی چه نذ و که از وره
 صنایع ترویجی در صنایع
 و
 به جهت ترویج صنایع

مکتوب

امیر علاقه مخصوصی دارد که با تشویق صنایع ملی تمام صنایع خارجی را از ایران بیرون کند. این سیاست ناشی از کوتاه بینی هیچوجه کمک به پیشرفت تجارت و مدنیت نمیکند.

این بیان بینک با اقدامات عملی امیر تباین دارد. زیرا می بینیم که امیر مروج صنایع جدید در ایران بوده است. شاید امریکه بینک را وادار بچنین بیانی کرده این باشد که امیر نمیخواسته تمام امتعه و صنایع جدید جزء واردات ایران باشد و در نتیجه کشور ما فقط بازار فروش بیگانهگان بوده مورد استثمار قرار گیرد بلکه برعکس ترویج تجارت و تمدن جدید و صنعتی کردن ایران را لازم می شمرده چنانکه کارخانه های بسیاری باهتمام وی احداث گردید که شرح آن می پردازیم.

دو کارخانه شکر سازی در میدان ارتک شهر ساری و بار فروش ساخته شد که شکر سازان را تصفیه کرده و قند و شکر سفید در میآوردند. قبل از احداث این دو کارخانه استاد عبدالحمید قناد مامور تصفیه شکر سازان گردیده بود و چون در این امر کامیابی حاصل نمود و نمونه ای از شکر تصفیه شده را بطهران فرستاد و مرغوب افتاد امر توسعه کشت نیشکر شد و در تعقیب آن بود که این دو کارخانه تأسیس گردید و در ماه شعبان ۱۲۶۸ قمری سفیدیکه محصول شکرهای سرح بود بدست آمد و از قرار یکمن ۵ قران به عرض فروش گذاشته شد که ماهی ده خروار شکرهای محصول این کارخانه بطهران حمل میگردد و مصرف شکر ایران که سابقاً از هندوستان میآمد تا حدی تا همین شد.

کارخانه بطور سازی در طهران و قم و اصفهان در سال ۱۲۶۷ بنا نهاده شد که انواع اقسام بطوریه آلات از قبیل گیلاس و تمک ، شیشه غلیظ ، مردنگی و لاله های بسیار ممتاز و غیره در آن میساختند.

در همین سال کارخانه چینی سازی در ارتک طهران و شهر قم تأسیس یافت که ظروف چینی مرغوبی تهیه میکرد.

در بیرون دروازه دولت کارخانه کاغذ سازی احداث شد و کاغذ های مرغوبی که از این کارخانه بیرون میآمد بکاعده امیری که هنوز بین شهرت خود را حفظ کرده است معروف گردید.

کارخانه ریسمان ریزی، بررگی بطون و عرص ۶۰ درخ در طهران بر پا گردید که بنای آن چهار طبقه و در سقف طبقه چهارم آهن کار کرده و آلات و ادوات آنرا از اروپا وارد نموده بودند.

کارخانه چلووار بافی در راه طهران شمیران و حویر بافی در کاشان از دیگر مؤسسات صنعتی است که بامر امیر دائر گردیده بود.

میرزا تقیخان استادان صنعت و ارباب حرف را تشویق و دایر کرده و اداره کارخانه های سابق الذکر را بعهده ایشان سپرد و رونق روز افزون آنرا از ایشان میخواست.

برای بسط صنایع اروپائی در ایران و احداث کارخانه های بزرگتر جمعی از هنروران و صنعتگران را در سال ۱۲۶۷ مأمور آموختن صنایع جدید از قبیل شکر ریزی، بنور سازی، ریخته گری، نجاری، آهنگری تحت سرپرستی حاجی میرزا محمد تاجر تبریزی بمسکو و بضرر بورخ روانه ساخت که در کارخانجات آنجا کار کنند و بدوآت روسیه نیز توصیه کرد که در سرپرستی و دقت کار همراهمورای ایرانی مراقبت نمایند.

ان هیئت هرور تا سال ۱۲۷۰ مراجعت کردند و با خود ماشین آلات متعدد همراه آورده احداث کارخانه های جدید بمت گماشتند از جمله ایشان «آقا رحیم اصعپانی» بود که در طهران کارخانه بنور سازی و در اصفهان کاغذ گرخانه دایر کرد و اکنون آثار و اطلال آن در محل «پلین دروازه» اصفهان مشاهده میشود.

دیگر «حاجی محمد نادر نسیری» سابق الدر گوید که در ساری علاوه بر کارخانه شکر ساری کارگاههای چدن سازی، جیلاگری و نجاری بر پا داشت.

علاوه بر آن، دو نفر از حویر ساکنان را بسلامپور مرستاد محکمه تهیه آبریشو را بآملوب جدید بیاوردند چه امیر به آبریشو علاقه مخصوص داشت و بطوریکه خواهد آمد آبریشو گیلان و کاشان در عهد و رونق سر گرفت.

مدیر امیر نیز، سایر همین سابقه در ستادن صنعتگر بخارج، در سال ۱۲۷۵ عده ای هنرآموز هرکس روایه داشتند که در آن میراثی بیهوده تن ری

آموختن ماهوت بافی ، چینی سازی ، کاغذگری و دیگر صنایع معین بود و
حسنعلی خان امیر نظام گروسی سمیر ایران در پاریس سر پرستی و مراقبت
احوال آنها را میکرد .

امیر باحداث کارخانه ماهوت بافی نظر خاصی داشته است و در این باب
طبی مراسله ای بمسیو جان داود که از طرف امیر مامور استخدام معلم ازدولت
انریش یا پروسی بود دستور میدهند که دو نفر استاد من ماهوت بافی بمنظور
آموختن ماهوت سازی در ایران که مصرف زیاد دارد استخدام کند و مواجب
آنان روزی ۶۰۰ الی ۷۰۰ تومان قرار دهد و نیز آلات و ادوات يك کارخانه
ماهوت سازی را خریده بایران بیاورد که کارخانه ای برپا نمایند عین نامه از
ایستاد است ۱۳۰ رمضان ۱۲۶۷

عالیجنابها عزیز! آنعالیجناب میدانند که ماهوت زیاد بمصرف منبوس
اهالی ایرانی میرسد و بسیار لازم است که ماهوت سازی را اهالی اینجا یاد
بگیرند و این صنعت در ایران شایع شود

لپذا مرقوم میشود که دو نفر ماهوت ساز ماهر که بتوانند ماهوت بسیار
جواب بسازند قرار مواجب این دو نفر را که ششصد هفتصد تومان داده باشند
بیاورد و خرج ذهاب و ایاب آنها را هم بقدر قابلیتشان داده میشود و نیز
نمونه اسباب و آلات کارخانه ماهوت سازی را هم بطور اختصار با خود بیاورند
که در اینجا ساخته شده منقول ماهوت سازی شوند معلوم است آن عالیجناب
درین باب مساعدت بفرماید ؟

چنانکه گذشت، میرزا تقیخان در تهیه صنایع خارجه در ایران کوشا
بود و در آمله ساختن سماور و کالسنکه میباشد که بهمت وی تهیه و شرح
در شرح ساری روح گرفت

سرتب چای از زمان عهده کیم و پیش در ایران معمول شده ؟

در آمله های حسنعلی خان گروسی

در آمله های حسنعلی خان گروسی

تاریخ

در آنوقت رواج عمومی نداشته است. در عهد قاجاریه شرب بیای تدریجاً شیاع بیشتری گرفت و با آمدن سوار از روسیه جنبه عمومی پیدا کرد است. نو فقره ارمغانی که برای امیر یکی از دربار فرانسه و دیگری از طرف مذكالتجار روسیه رسید ذوق و علاقه امیر را تحریک کرد که شروع ساختن سوار و عمت گمارد.

هدایائی که از طرف دولت فرانسه بمناسبت جلوس ناصرالدین شاه در ۱۲۶۵ رسیده بود بسیار قیمتی و شامل برده های نقاشی، گنبدان های نقره، ۲۹۳ جلد کتاب و ۳ سوار نقره مطلا منبت و مزیین با جام نقره سفید با انضمام مجموعه زیر پنجان که روی صفحه یک جام آینه و زیر آینه بدستکاری مکتوب بوده است و با انضمام یک عدد قوری و یک عدد قهوه دان و یک عدد قند دان و یک عدد شیردان که مجموع آنها در جمعی از چوب چار گذاشته (بوده) است. ۳ وعیره ساق شاه بود و نیز جهت میرزا تقیخان یک سوار منبت مطلا یکدست زیر پنجان نقره منبت، قند دان نقره منبت و شیردان نقره ارسال موده.

مذكالتجار سابق الد کر روسیه و پیش فرانسوی «بیر در اوان سان ۱۲۶۶ سواروی یکدست ظروف چایخوری نزد امیر نازمعان فرستاد. میرزا تقیخان هم پس از پذیرفتن آن نامه درین (ذیقعه ۱۲۶۶) را با نوشت

۱ - یکی از مستشرقین نام کرنکو Krenku از «کتاب الصیغه» تألیف یوریهان بیرونی، که در باب معرقات ادویه گفتگو میکند و مورد وضع نرسیده، نقل مینماید. انوربجان در آنجا آورده است مسافریسکه از چین مآیید حکایت میکند که در آن کشور ماده ایست بنام «شای» که آنرا دم کرده میوشند و بیز عکابهای هست که مردم در آنجا گرد هم آمده «شای» میخورند که ظاهراً همان قهوه خانه ها میباشد. (این اطلاع از آقای اقبال آشتیای کسب شده است.)

۲ - در واین قاجار، سوار را تلفظ صحیح آن «ساور» می نوشتند و خواه بآن «جام برنجی» میگفتند معنی و ترجمه آن کلمه «عرد جوشی» میباشد.

۳ - در اسناد رسمی دولتی

۴ - صورت هندو با هم آگیزی جزو مراسمات رسمی دولتی است.

و يك شال نرمه لاكي ضميمه آن كرد. «عاليجاها عزيزا نوشته آن عاليجاه
 جدي قبل و اصل شد و از مسطوراتش استحضار و آنگامي حاصل آمد پاره‌اي
 سبب هر يك از قبيل سمار و ضرور، چانخوري براي اينجا سبب فرستاده بود
 رسيد چون ضرور و سبب سمار و ضرور و ظريف بود مرغوب
 در ضرور و سبب سمار و ضرور و ظريف بود مرغوب
 عاليجاه ايجاد شده ميباشد. ثب عاليجاه در ايجاد مهمات تجار تبعه حائين
 كمال حسن اهتمام و حيويت در ظهور رسيدن خاطر آنها را از خود راضي
 و خشنود نيز ...

ميرآئين پري در ربيع ... در ايران جمعيت و صنعتگران
 صدها را صاحب گرد و همين مسود رسیده از روسیه را ...
 صاحب سمار ... در صنعتگران ايجاد اين امر را ...
 مهمات ... در امر و اخذ و سوق امير واقع گردید سپس
 در امر و اخذ و سوق امير واقع گردید سپس
 در امر و اخذ و سوق امير واقع گردید سپس
 در امر و اخذ و سوق امير واقع گردید سپس
 کار شده و چوبي ... و در که نسب امير را از صورت کوتاه گردید
 کار سمار ...

... در حضور ... و ...
 ... در ...
 ... در ...
 ... در ...
 ... در ...
 ... در ...
 ... در ...

... در ...
 ... در ...
 ... در ...
 ... در ...
 ... در ...
 ... در ...

... در ...

همه آنها که اشخاص مصلح و فداکار در ایران که اندام مهربان و معتمد
 در وقت این سالها در قریبها بگذرد که یک انچه ای نادره زمانه است تا
 در این ایام در هر کشوری زاده شود در میان ملت و هنوز قدمش نرسد
 در پیچیده در کار بیفتد و جانشین هایش بشد صرفاً الهوس دهنده صلاحات و
 آفتی باقوتی سویند و باقی سوزند.

در موضوع کاسک و این در کاسک که در این راه روزگار در کاسک
 و در کاسک در کاسک و در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که
 در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک
 در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک
 در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک
 در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک
 در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک
 در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک

ز آن بعد ساختن کاسک در این ایام در کاسک که در کاسک که در کاسک
 که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک
 که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک
 که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک
 که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک
 که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک
 که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک
 که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک

که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک
 که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک
 که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک
 که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک
 که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک
 که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک
 که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک
 که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک که در کاسک

کوچه ها نیز بهمان جهت صورت گرفت ۱

امیر کبیر به آنها تولید صنایع خارج را در ایران متداول کرده بلکه
 ملاحظه مجددی توسعه و رونق دادن صنایع ملی ایران داشت و بسط و گسترش
 به اوج داخلی را شخصاً مشوق میشد و از بانان پیشه و هنر را عزیز میداشت
 و در مشورتی ایشان میکوشید و با کمک و عطوفت خود آنها را دلگرم میکرد
 و هیچگونه کمک مالی و معنوی در باره آنها دریغ نمینمود در سایه همین
 مساعدت امیر و در که صنایع دستی ایران توسعه بسیار یافت شالهای کرمانی
 و مرعیه سی و ممتازی شالهای کشمیری یافتند بطوریکه جبرگان هم در
 بعضی از شالهای کرمان ، که شال امیری معروف بود و هسته ارشال
 کسبیر در آن مابند ، مانکه روری یکطاقه شال کرمانی را نظر دوسه تن
 در اهر صورت و سالاروشان رسانیده ایشان آنها را بجای شال کشمیری
 بشاد کرمانی نام نهادند و با تمام بینائی و خیرگی در تشخیص کرمانی با
 کلاه سی و دن آن منحصر ماندند ۲ در نتیجه بازار شال کشمیری در ایران
 که در آن زمان هم در جای آنرا گرفت و در اعیان و مواقع دادن خدمت
 شال امیری اعطای میشد .

و در آن دوران شال جدیدی پشمی که مخصوص لباس اهالی آنجا میشد
 یافتند و آنرا هم در راه مابند و با سایر راهکار کم مار در آن جدیدی رونق یافته و
 در آن زمان هم در آن زمان که جای ماهوت جهت لباس و کلبچه نظامیان
 در آن زمان در آن زمان و در آن زمان چهار نفر آن فروش میرسید ۳ امیر
 که در آن زمان در آن زمان در آن زمان مقرر داشت که سالی ۱۰۰۰
 در آن زمان در آن زمان در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان که در آن زمان
 در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان

در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان
 در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان
 در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان

در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان
 در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان
 در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان در آن زمان

نظامیان بسیار پسندیدند و پند توهمان وجه او پرداخت که میزان دو هزار کلیجه نظامی از آن رچه تهیه و تحویل شد ۱ و نیز استاد حسن نام تبریزی صدوق خرمه را که بسیار محکم و بوزن یکجور و آره برسد، طوری ساخت که دست نمی آید و فهای ساخت فرنگ بداشت ۲

همچنین و فیکه یک نابوی هنر پیشه طهرانی بنام دیابو حورشید و سونه ای از سردوش های صاحبصان را که سابقا از اثرش و مملکت عثمانی وارد می کردند ساخت و بهر امیر رسانید مورد لطف و عنایت بسیار گرم امیر واقع شد و در آن زمان کهک های مالی و سائل کار او را از هر حیث آماده ساخته تا گردن متعددی ری او گرفت و با پنج سال مطلقاً و معسرأ ساختن سر روشی های لباس و سران و پنده او وا گذاشت ۳

این قدام امیر جعهه قابل سانش و ملاحظه است یکی اینکه این مرتبه بعد از جعهه موا مکر در صد سال پیش با وجود هزاران بندی که از خصایص جعهه و پوسیده و فروتن و تهیه بررسی است بزنان هنرمند خدمات دولتی در عینک است بر ری صاه و اندام دادن حمامه ایران از بیرو و هم پیچیده و در آن مرتبه در موده است و امر موضوع الته از لحاظ تهنیت و نشان و حالت و حه میباشد

با شرحی که مذکور افتاد، پس از آنکه در پر تو ساعی امر رمیه یکت به صحت صعی رداک فراهم و آماده گردید مهر شد «مجمع الصنایعی» تأسیس شود که از م مصوغات و مسوختات ایران بیونهای چند در آن حاضر ار داده معین جایز گذارد

این مصوغ و صناعی معیر الممالک سالی از کر «مجمع الصنایعی» در ارون مر کس از چندین صوغ و حجره برپا گشت که از جمیع مصوغات ار کاسکه، ساعت، صاف گشتا و ردوشیهای امیران نظام و ملکه دوزی و زردوزی و بی رده های و غیره و غیره و غیره که هر یک از این و هر ایرانی بود

۱ - حیات و حیات در زمانه - ۴

۲ - در راه آه و سوار - ۲۹

۳ - در راه آه و سوار (مجموعه) - ۲۹

۴ - در راه آه و سوار - ۲

۵ - در راه آه و سوار - ۱۹

این مجمع صنایع تشویق امیر تأسیس پذیرفت ولی متأسفانه در حیات
و افتتاح نیافت .

بحث دوم

استخراج معادن

هک کشور نروت خیزی چون ایران که بگفته مهر آگس را کثر پلاک
و کثر مملکتی در دنیا هست که از حیب معادن عزیز بخواهد با آن را بری
کند « بعلت عدم آشنائی با اصول صنعت جدید منابع سرشار طبیعی آن
ممچنان را که و بی اثر افتاده حتی بعلط بکشور فلاحی شاخه و معروف
شده است و حال آنکه اوضاع طبیعی ایران طور بست که گذشته رسامه
بجاری آن میتواند در این دور شنه مهم تولید بعی فلاحی و صنعت معاد
شامخی را در میان کشورهای اقتصادی عالم جائز شود ولی بجهت « بها
از لحاظ صنعتی قدر و ارحی ندارد بلکه اسلوب فلاحی آن همچنان در هر حال
اسدالی است .

میرزا فیضان در دوره کوتاه رهامداری خود برای صنعتی کردن ایران
الیه تقیاس عهد خود، اقدامات مفیدی کرد و از جمله از استخراج معادن
ایران غافل شست و درین راه بشل همت کرد ، او بااین وسیع را از کمک
گرفت بدین معنی برای آنکه ایشان را بتمدنی مورد اقتصادی آسایش کرده
سرمایه های را که در آن بجهت آن بدارد را بر نیروی دانشی و برای سرمایه
آزادی استخراج کایه معادن ، در آن صادر بویته و اداری امور معادن را
حمار ناظم المپام معانی الذکر بمرکز مطلق این فرمان اولاً کرد استخراج
بکسر احاره حق استخراج معادن را داشتند . تا مدت ۵ سال از داخل
هر گونه مالیات دولتی معاف بودند .

نکات مهم و حایل بوجه این فرمان مکی آن بود که آزادی استخراج
معادن را بحدی برای اتباع ایران شامحه نمود و دهنی بکندگان آن را
بمحرورم بودند بکنه دیگر معاینه بجهت آنکه استخراج معادن را
مالیات بود با تسایک بگمت دل و جرأت بوسی امروز او بدهی
سرمایه های خود را بوجه شامحه بماربق جورده در بصل بجهت
شوق آمده آنرا بجهت آن بدارد و از ایراه کمک بزرگی را بدهد

و افزایش میزان تولید کشور گردد

تدابیر و اقدامات امیر در رویج استخراج معادن بسیار مؤثر افتاد و بهره برداری از معادن شروع گردید از آنجمله استخراج معادن قراچه داغ آذربایجان میباشد که لزوماً تا تاریخچه آن که خود داستان سیاسی سارهمپی است مجعلا اشاره میشود :

یکی از صاحب منصبان انگلیسی که در سال ۱۸۰۹ با ایران آمد سروان مون یث ۱ میباشد که در سال ۱۸۱۵ - از طرف نایب السلطنه عباس میرزا مأثور جمعیات معادن مس و آهن قراچه داغ شد . نتیجه تحقیقات او بسیار حائز توجه بود . عدا سرهبری آندسی سون ۲ از معالیشده فرمائی تحصیل کرد که بخرج خود معادن قراچه داغ را بکار اندر د و بهره برداری نماید .

در سال ۱۸۳۶ - ۱۲۵۲ در عهد سلطنت محمد شاه سرهبری آندسی سون بکندسگاه ماشین بخار و بکندس کار کارا انگلستان آورد و در آنجا مشغول کار شد ولی بر اثر قضایای مهم سیاسی ای که در زمان محمدشاه مس میآید او بر معادب قراچه داغ را ترك گفته بجه کاره انداخت و رفت و شکایت زد دولت متبوع خود رد . و این از جمله شکایاتی بود که لرد پالرسون علیه محمد شاه و حاج میرزا آقاسی اقامه کرد و در سفرنامه میرزا حسینخان آخونداباشی مفصلاً نوشته شده است ۳

میرزا تقیخان با همان سابقه ای که از معادن قراچه داغ داشت بهره برداری از آن دست یازید و میرزا آقاسی خان ۴ را مامور این مهم کرد میرزا آقاسی خان در ایساب اهمیت بسیار بخرج داد و کار استخراج آن

۱ - Captain Monteith

۲ - Sir H. Lindsay Bethune

۳ - هاری که در ایران « راری صمد و پیش عوام مدت چند سده در رستمستان مسور بود در ورج چهار شنبه ۱۷۷۱ بیع السانی ۱۲۶۷ در طهران در گذشت و بنستور امیر شمیم جباره بسیار مجلانی از وی مودد طوریکه دولت انگلستان رسماً از دولت ایران در ایساب اهمیت بسیار تسکر کرد .

(اسناد رسمی)

سر و صورتی بختید مس هائیکه بدست میآمد نیز بیشتر بمصرف نوپدیزی می رسید .

موضوع قراجه داغ از ایس چندی ساکت و بیصدا بود تا ایسکه میرزا حسینخان سپهسالار را بصحنه سیاست ایران وارد کردند و او را بمقام صدارت عظمی رسانیدند و بقول رالینسون وزیر مختار معروف انگلیس « برای حل قضایای مهمی که مدتها بین ایران و انگلستان در جریان بود يك چنین شخصی صمیمی نسبت بانگلستان بصدارت انتخاب گردید »

این مرد تاریخی اجنبی پرست امتیاز تمام معادن و سایر منابع ثروت ایران را يك قلم قبالة کرده تقدیم « بارون روتر » انگلیسی نمود و البته این امتیاز نامه عجیب که خود انگلستان هم از سنگینی انجام آن شانه خالی کرد شامل معدن قرجه داغ هم میشد . منتها چوت از اینجا بعد از بحث علی ما خارج است ؛ گرد آن نمیگردیم و وعده محل مناسبتری را بخواهند گان میدهیم تا از این مقوله بتفصیل سخن رانیم

معادن ماسوله گیلان نیز بمباشرت استاد فتح الله آهنگر باشی شروع باستخراج شد و چون آهن آنجا نرمتر از آهنی بود که سابقاً از حاجی ترخان وارد میشد برای ساختن لوله های تفنگ و سایر آلات حرب بمصرف مسکروند معادن آهن بلوک بانیچ مارندران نیز شروع بهره برداری شد

قطران را که بمصرف نوپ میرسید و سابقاً از روسیه وارد میشد بمساعی میرزا علی اکبر سرهنگ قورخانه « در رحمت آباد » گیلان تهیه کردند و روز بروز بر میزان تولیدش افزوده میشد . چندی که از حدود مصرف داخلی اضافه آمد

علاوه بر آنچه گذشت امیر نقشه های دیگری برای بهره برداری از معادن گرابهای ایران نیز داشته است چنانکه ریشارد خان از طرف او مأمور بحقیقات معادن کردستان گردیده بود و صریحاً میگوید

« در دو ماه بود در طهران بودم امیر ما آمد کردستان مرستاد بود که در موضوع معادن آنجا تحقیقات کنم »

۱ - Sir H Rawlinson

۲ - یادداشت های گوناگون مرحوم دکتر اعظم الدوله نقوی - مکتوبی که ریشارد خان یکی از دوستان خود در ارژنه الروم نوشته است

امیر قصد داشته است که استخراج معادن ایران طبق اصول علمی و اروپائی رونق بسیار گرفته توسعه یابد و استادان ایرانی نیز برای اینکار ترتیب شود و بهمین جهت بمسیو جان داود در باب استخدام استاد معدنشناس از کشور اتریش یا پروس سفارش مخصوص میکنند و بوی چنین دستور العمل میدهد (۱۲ محرم ۱۲۶۷)

« ۰۰۰ » از قراریکه در نوشته علیجده بآنعالیجاه نوشته شده است چند نفر معلم باسروشته صاحب وقوف برای مکتب خانه پادشاهی که در دارالخلافه طهران بنا شده است ضرور و در کار است لهذا آنعالیجاه مأذون و مرخص است که از مملکت بسا یا پروسیه از قرار تفصیل معلم ماهر برای مکتب خانه پادشاهی تا مدت چهار پنجسال اجیر کرده . « بعد که صورت معلمین مورد احتیاج را میدهد میگوید « ۰۰۰ » استاد معلم معدن که سر رشته از همه فلزات داشته باشد یکنفر - معدنچی که در معادن کار نکنند دونفر « ۰۰۰ » وهم در نامه دیگری بدو میویسد « ۰۰۰ » در باب استاد معدنچی اهتمام نماید که از جمیع فلزات خاصه طلا و نقره سر رشته کامل داشته باشد و انشاءالله تعالی باید آن استاد ها را زود بیآوری و زیاد از این طول ندهی زیاده چه تا کید شود « و از همین دستورها معلوم میشود که امیر چقدر با استخراج معادن مخصوصا طلا و نقره توجه مخصوص داشته است .

ناگفته بگذاریم که در جزء هدایائی که لوتی باپنئون برای ناصرالدین شاه پس از جلوس بسلطنت فرستاد چند دستگاه کوره خوب فلزات نیز بوده که شرح آنها عیناً در مجموعه اسناد آنعهد نقل میکنیم .

نمونه کوره از جهت جدا نمودن سرب از نقره يك دستگاه

کوره از جهت آب کردن مس یکدستگاه

کوره از جهت گداختن سرب که از معدن آورند یکدستگاه

با تفصیل فوق دیده شد که استخراج معادن در زمان امیر سیاد و اندام گهرت ولی پس از میرزا تقیخان دنباله آنرا نگرفتند و حتی بجای تشویق و جایزه دادن با استخراج کنندگان بار مالیاتهای گزافی رشوش آنان نهادند که همگی شاه خالی کنند و وقتی هم که حاکم استر آباد خواست معدن فعال سنگ شاهرود را استخراج کند دولت مرکزی با پیشنهاد وی مخالفت نمود . ۹ . بهر حال غفلت و بیعلاقگی ها اساس این فکر و اقدام اصلاح آمیز را نیز لرزاند و واژگون ساخت .

بحث سوم

نسط فلاحیت

و وجودی که ایران بشکوه و فلاحی معرفت شده است مایه سعادت کشاورزی
آن هم رویی که در خود او بیاع نامعی آن باشد ندارد و مؤثر ترین وسیله
پیشرفت آن برویج است و چندین فلاحیت و احداث سد ها و حفر چاه ها
آر ترین میباشد

در ایام که امیر ناصر معتمد و امیر ایران بوده است می بینیم که قدمهای
زرگی در این راه گذاشته شده که در فلاحیت ایران تأثیر عمده و وسیعی داشته
و حوضی آن گردیده است

در این ایام احداث سد عروف و سد خاکی در دو
گرنه میباشد که سازه آری و عملاً ذکر میکند در روی حوالی سد که
از سادات واجد ولایت حویره میباشد نامی تربیت است و سطح آن در
حویره از طرف راست و دچانه در چاه های حفر و جدا کرد است
که سد ها نامی آن ها نامیده شده است سرانجام می رود و آب در
رود و سیلاب گردید، با دارد بی عرض سد که در دچانه کرده و حفر این
حویره را از وسط حویره جدا شد و در حوالی آن در رود
عبر میکرد حکم حویره سد و در این سر هم سد است که در
آر حرمت و دارد بی نامی در سر کنار آن سد بنده حویره حفر
حفاظت سد و آب ای سنگ و برادند از این سد در ایام
در این سد

در روز ۱۳۲۱ در این سد در حویره
سد خاکی
سد خاکی
سد خاکی
سد خاکی
سد خاکی

در این سد در حویره

ایسکه در او احرسند طست محمد ساه «مولى فرح الله» متعهد بپسندن سد محکمی
 در مقابل بهر هاسم گردید که مجرای حدید رود عکسجه را تغییر داده آب
 آنرا مجرای اصلی بنسازد مولى فرح الله قریب کفرسک سالاً تر از محل
 سد قدیم بسس سد زرگی دست رد ولى دست جماعتی از اعراب کشته شد
 کار بستن سد تعاونی و مطیل افساد

چون نوبت مددات امیر رسید و جانر میرزا احسان الدوله که صاحب
 حکومت روحدو بحیاری راداست در ریح الثانی ۱۲۶۷ بحکومت حورسدان
 و لرستان منصوب شد زرگترین ماهوریتی که بعهده گرفت بسس این سد بود و
 مصطفی قلی خان دزهولی از طرف وی داده هر از نویمان اعتبار مأمور انجام
 این عهد گردید

در ایستاد از امیر دسورهای قلی در دست است که بنفقرة آن
 قره سکه ماه میر بشیر الدوله ۱۴ رمضان ۱۲۶۶

برای تعمیر سد جویره و شوخته و قاعه سلاسل به هر از نویمان از
 باب مالیات اذن دارم که باسبجبار سما معرف الحافان سیام الدوله خرج نماید
 و آبهار بصور خوب و ناگیره به جنبه و عمر ماید و خرج نامصرفی باشد
 کاعندی به حدود معرف الحافان در ایستاد و شش فرسادم باور ساند و حدود و
 انجام این عمل و اعتبار مجاز آنجا ها را سما و اطمنان شه و اگذار کرده
 که انشاء الله تعالی (هر از) درستی بدهید بعد از آنکه مالیات دیوان خرج
 مسود حر نامصرفی باشد و در هر طور هر از دادید فصل آنرا بنویسد
 بنویسد

سند ارحمات ریاضی مباحته شد ولى طعیان آب برای آنرا در هم
 سکه ممددا بصورت امیر شروع بای آن گردید بار طعیان آب سد را
 بر در هر از هر از صای بسس آسی که از تحصیل ک دگان انگلستان و
 مأمور اجراء آن سد وى ان به ترتیب حمله آب بنسازد در هم شکاف
 ولى تصدیق و از نه ریح میر محمد با رخ و دود سد دراز
 باص هر از نویمان اعتبار و هر از و باص هر از نویمان اعتبار و هر از نویمان
 سد بر جهت حمل و نقل مصالح آن جمسور باص هر از نویمان اعتبار و هر از نویمان
 احداث گردید و سالی آن در او احرسند

در به ۲ سد ناصری « موسوم شد .

با ایجاد سد ناصری آب رودخانه گرجه بجری و اعداد و صحیحات
خوبه رو با آبی رفته فلاحه و تجارت آن رونق بسیار گرفت

امیر اصولاً بدین چهار گوشه جنوب غربی این نواحی اختصاصی داشت
و آنرا خیلی خوب میشناخت و نقشه‌های مدظم و دقیقی به این آنرا این و بهره
برداری آن در نظر گرفته بود و از نامه پیر اوج و قندی که سره بهره‌دار
منیرالدوله نوشته است و در بلا درج میگردد نظر می‌کند و به شرح
عربی هویدا شود (۲۶ ربيع الثاني ۱۲۶۶)

در باب معیارات محصره و سایر خوبه و بهره‌دار و اعداد و صحیحات
و دیدن و از منابع و مداخل و قابلیت محصره و مملکت خوبه و اعداد و
لی من خودم هم از ملاحظه نقشه‌ها و مطالعه کتابت در این باره
و صانع و احوال آن مملکت بهره‌دارانم و به نام این مملکت
رای دولت عنده حاصل میشود اما مورطینت مرا به
من دارد که در خلاف اسلاف حرف نمایند و از این مملکت
به جای آنکه به ما موسم . حالت در سایر مملکت
شما خوب معلوم است اگر چه از حرف پادشاه

مرور و در هیچ مملکتی پرداخت محاسبات
در این مملکت ندیده . با کتابت در این مملکت
را که تمام با حقیر رسود .

آنها را در سایر مملکتها خوبه و اعداد و صحیحات
و در این مملکت

در این مملکت در این مملکت
در این مملکت در این مملکت

در این مملکت در این مملکت
در این مملکت در این مملکت

شما هم که بر آنجا رسیدید و طهارت رضامندی از قریب الحائنان عباسی
هفته و دیدید ایشاه الله کمال اهتمام در آبادی آن ملک بسیاری یکدیگر
ماید و طرف مرا هم میدادند که مهمالمن در آن دی ملک پادشاهی ساعی
باشد همسم و پیچو خا علق بااره

این است پس از شرح این دو نامه اهمی که خورشیدستان یا آن است
بناورد رود دیر، که دست احباب از هر اقدام مر بخش معینی در آن باو گری
گروه در کار من داشته است اسباط گردیده و احتیاج شرح دیگری است
دستگاه دیگر امیر که در راه سبط و لاجب صورت گروه هراد

آن سوشی که مدتی بود در وادی پیاده در همان نامی که حال
مور موی خورشید آن روان بود نسوز او و مناسرت و روا علی هندی
در آن زمان در آن راهی در آن گشتی بان وارد کرد و در آن حال
در آن سوشی و در آن راهی و در آن سوشی و در آن سوشی
در آن سوشی و در آن راهی و در آن سوشی و در آن سوشی

سال ۱۲۶۱ در شرح بنای سد در آن رود گان در آن
در آن سوشی و در آن راهی و در آن سوشی و در آن سوشی
در آن سوشی و در آن راهی و در آن سوشی و در آن سوشی

در همین سال سوت و گمشد و حسین آباد و در آن پات کرد
در آن سوشی و در آن راهی و در آن سوشی و در آن سوشی
در آن سوشی و در آن راهی و در آن سوشی و در آن سوشی

در سال ۱۲۶۲ در آن سوشی و در آن راهی و در آن سوشی
در آن سوشی و در آن راهی و در آن سوشی و در آن سوشی

در آن سوشی و در آن راهی و در آن سوشی و در آن سوشی
در آن سوشی و در آن راهی و در آن سوشی و در آن سوشی

میگردد . بعدها که راه کالسکه رو قم بدست امین السلطان شدت بشیراه
اول متروک ماند و ای چون امین السلطان طریقته بعدی و اقدامات پیشگیرانه
مسافرین آبراه را ترك کردند تا اسکه مدرا علی اصغر خان داین حال او از
که پل دلاک را حرات کند و آب قره حای و اردود را بجهت الملاحه
مگر کاروایان محصور گردید که از راه امین السلطان میروند "

از برجسته ترین اقدامات امیر که هر چه در میان میگردد همه
افزوده میگردد در حصر پسر اردکانی از رودخانه کرج سوی تهران و
حصر این شعبه در سال ۱۲۶۲ ایام سلطنت محمد شاه کرج و
آن پسر بی الاپی باغ نگارستان حصر شده ولی تا این زمان
چون که مدرا تفحصان با تمام آن همت گذاشت و مدتی در
کرج وارد تهران نمود و با این اقدام در حوضخانه کندی
گردید و صفا از درختات و فایع اطرافه حوض را بکند
است که آب شیران امیر طهران راورد تا بجهت آبرو
نکار آب رسد "

علاوه بر اقدامات مریور که حدودی خود و مبادی وی شده
انرایش میران تولید محصولات و افرایه و آوردن مدرا
کشت پاره ای محصولات مخصوصا روح و
آن در ایران سابقه داشت حد مخصوصی بود
زراعت پسته امریکائی در ایران میباشد که حجم آن در
و مداه در مسرتا کسک کشتش امر محالی ایست
و در دهه سال و در تجارت عثمانی در مهادی از آن در
و در مسرتا کسک مخصوصا در حوالی او
ص او آنکه پسته ها کسک سرخی مادی در
پسته را میتوان مدوه طهران در
به ایران نگاهشده پس او تالی او را
در راه مهادی که او را در در

۱ - وفاق ماهه شماره ۹۰

۲ - رعایع اتعاقه شماره های ۱۴

دراعت سه امر نکائی را آمد و دستور داد مقدار معتدلی از آن جمع و
بظلمت آن آورده و آن دو سانس نواحی مختلف که آب و هوای آن مساعد
پرورش آن بود عسیم و برای اطلاع عموم شرح مفصلی از چگونگی و طرز
دراعت و فوائد آن در وقایع اواقیه درج مابند

مورمه کسب بینه امر نکائی در عهد امر به اهرام سه و خون مهمه ری ر
ن ساسم ظهران رسیده بخت طر عیسی خان رگنر مگنی و ان مالکین
و دراعت عسیم سه و شروع نکشت آن بودند از جمله علیغنی میرزا در
جای آنکه حاجی حمزه خان معمار در امر آباد و حاشی محمد خان در
جیر آباد و راهمن نکشت آن در ادب حسسد و مانع سیار سکونی هر حاصل
گردید که از ریح سمر جم پساً در نکائی در لوت حواری کجروا در
مهم بوده است که در هر دو آن استسید فوره پساً در متناست ا

ا بر رای و سه دراعت پیشکیر چپ سه در دستور داد دراعتی
سه در از باریان جو رسا ن آب و هوای آن سه در نکشت مسگر می
سه در را به آن در آن سه در در - خانلر مرزای امشام الدوله
ز یکا سه در خرج زاد و دراعت مسگر سه در عقلی ر لوت
سه در عمل کرد و حرت سیار سکونی در کت بطرد که مشکر های آنجا
طول سه در رسیده یعنی سه در از یسکرهای مازندران سه در گردید ۲
سه در دراعت بیل امیر خانلر مرزای مذکور دسوره های لازم داد

درعت حشمتش بر در زمان امر در سه در باد شده است پس از امیر
ا سه در نال در ایران راه پنا کرد مشأ آمار شعی گردید که چون
در سه در رای حیات انسانی بر سه در سه در معجزیم
ری سه در سه در طی انها از سه در در سه در ایران
سک

جماعت علمی سه در سه در سه در سه در سه در سه در
سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در
سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در

در سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در
سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در
سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در سه در